

می توانست برای نیروهای ما کار آمد باشد و به نفع موازنه جمهوری اسلامی عمل یکنند. بنابراین این چیزی بود که در دیگر فرماندهان، به خصوص اوایل جنگ، اصلاً وجود خارجی نداشت؛ یعنی علم نظامی گری نداشتند و هر چه بود از روی هیجان، تجربه یا موج اعجاز غیبی یا به اصطلاح «برویم به امان خدا» بود. یعنی برویم تا ببینیم چه پیش می آید. ولی صیاد اینگونه نبود؛ او و دیگر فرماندهانی که کنارش گلچین کرده بود کاملاً علمی طراحی شده بودند. یک سکansı هم داشتیم که طراحی عملیات را روی نقشه توضیح می داد برای فرماندهان. پس مهمترین ویژگی اش همان دانش علمی و نظامی بود. مهمترین بخش دیگر او، تقوا و افزایش به مسائل و علوم دینی و قرآنی که زیانزد بود؛ که شهید چمران هم در مجلس به این موضوع اشاره مستقیم و به نام صیاد اشاره می کند. خوب، این دو ویژگی مهم بودند و علاوه بر آن، اینکه ولایت مدار بودند و همچنین بسیار منضبط و با دیسیپلین خاص خود در همه جا حاضر بودند. یعنی در سخت ترین شرایط نیز از نظم و انضباط فردی و جمعی عقب نشینی نمی کرد و تأکید می کرد. همچنان که نوکر صفتی را به شدت مذمت می کرد و اعتقاد داشت باید قانون گرا بود و در مدار و قانون و نظام حرکت کرد.

که البته بیشتر این مسائل نیز در شخصیت پردازی صیاد در فیلم دیده می شود.

متأسفانه من یادم هست که برخی اشاره کردند در شخصیت پردازی، ضعیف عمل کردیم شخصیت را کلیشه ای دیده بودند، در صورتی که در شخصیت صیاد شیرازی همه این مولفه ها وجود داشت و ما نگاه شعاری به موضوع نداشتیم. به نظر من این حرف ها و انتقادات از روی ناآگاهی و عدم شناخت از شخصیت شهید صیاد است و همین طور ما تمام سعی مان را کردیم که تمام ابعاد کار را ملاحظه و نشان دهیم.

در خصوص شخصیت بنی صدر که توسط هومن برق نورد در این فیلم به تصویر کشیده شد، به نظر من این کاراکتر هم از لحاظ چهره پردازی و هم شخصیت پردازی، موفق شد تا شخصیتی متفاوت و ماندگار در تاریخ سینما را ارائه دهد، سوال این است که در ساخت شخصیت بنی صدر به چه منابعی مراجعه کردید؟

خوشبختانه بچه های ما، هم آقای برق نورد و هم آقای سربابی و دیگر دوستان، اولاً با علاقه و عشق وارد این کار شدند و با دغدغه و وسواس سراغ رفتارها و ویژگی های شخصی کاراکترها رفته بودند. با علاقه و دغدغه مندی خاصی به ایفای نقش پرداختند. آنها علاوه بر منابع تصویری مستند و کتاب ها، با همزمان و اطرافیان شخصیت های تاریخی صحبت کرده و اطلاعات زیادی جمع آوری کردند. این منابع به بازیگران کمک کرد تا شخصیت های واقعی را به درستی و با دقت به تصویر بکشند.

و همچنین هومن برق نورد در دست ترین انتخاب برای این نقش بود.

باید بگویم که آقای برق نورد توانست این شخصیت را به شکلی جذاب و معتبر ارائه دهد و به لحاظ چهره پردازی و رفتار به خوبی به این شخصیت نزدیک شود. بله، به نظر من هم انتخاب بسیار مناسبی بود و من از این انتخاب راضی بودم.

با توجه به شرایط کنونی کشور و مسائلی همچون مناقشه بر سر مذاکرات و حوادث غم انگیز داخلی به نظر شما پیام فیلم صیاد برای مخاطبان امروز چیست؟

پیام فیلم «صیاد» بسیار روشن و شفاف است. این فیلم قصد دارد تا پل ارتباطی میان نسل گذشته و نسل امروز باشد. شهید صیاد شیرازی با ویژگی هایی همچون وفاق ملی، وحدت در برابر دشمنان بیرونی و مقابله با نفوذ در درون کشور، می تواند الگوی خوبی برای زمانه ما باشد. این پیام های مهم در فیلم به نمایش در آمده و می تواند به ما یادآوری کند که در شرایط بحرانی، وحدت و همبستگی داخلی می تواند موجب حفظ استقلال و اقتدار کشور شود.

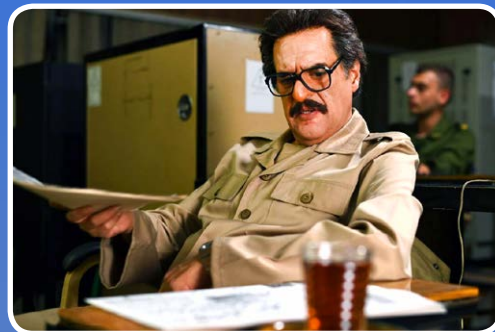
خوشبختانه واکنش ها از سوی مخاطبان عام در مواجهه با این اثر هم بسیار مثبت بوده و بسیاری تحت تأثیر شخصیت شهید صیاد شیرازی قرار گرفته اند.

امیدوارم این نگاه و پیام های مثبت فیلم برای نسل های آینده نیز تسری پیدا کند و الهام بخش باشد و شناخت این چهره ملی برای مردم الگویی از رشادت، شجاعت و مسئولیت پذیری ارائه دهد.

صحبت پایانی

در انتها من باید تشکر کنم از همکاران عزیزم در ساخت این فیلم، همچنین از همه عوامل ارتش و نیروهای نظامی که در تهران و کرمانشاه خیلی کمک کردند. امیدوارم مردم از دیدن این فیلم لذت ببرند و این کار تأثیر مثبتی بر جامعه داشته باشد.

این بخش ها قصه و روایتی نیست؟ در واقع در آن بخش ها هم ما داستان و روایت داریم. برای مثال، در یکی از صحنه ها، صیاد در تلاش است تا از تجزیه ایران جلوگیری کند و با نیروهای مردمی و پیشمرگان کرد منطقه همکاری می کند تا از سقوط شهرهای کردنشین جلوگیری کند. در این موقعیت ها، کاراکتر صیاد در حال فرماندهی عملیاتی است که به او دستور داده شده، وارد چنین مأموریتی نشود. این تصمیم و رفتار صیاد در راستای شخصیت قهرمان فیلم است که برخلاف دستورات بالا، به دلیل شرایطی که می بیند، تصمیم درست را می گیرد و اتفاقاً همین تصمیمات موجب درگیری ها و اختلافات در ادامه داستان می شود. یا در صحنه بعدی می بینیم که صیاد به بنی صدر می گوید که باید به سمت سر دشت می رفتیم و اگر این کار را نمی کردیم، فردا باید با ارتش عراق می جنگیدیم. او رفت و با مشقت فراوان در کنار رزمندگان جنگید و در نهایت توانست منطقه را آزاد کند. این موارد همه جزو داستان هایی هستند که بر پایه تصمیمات استراتژیک صیاد شکل می گیرند و نشان دهنده هوش فرماندهی و اقتدار اوست.



منظورم بیشتر تعقیب و گریزهای عملیاتی و انعکاس استراتژی های نظامی و هوشمندانه صیاد در پیش روی عملیات بود.

ما در این فیلم بیشتر به جنبه تاریخی و استراتژیک موضوع پرداختیم و توجه صیاد را بر روی مسائل کلان و استراتژیک نشان دادیم، اما از قدرت و درایت صیاد در عملیات هم غافل نبودیم. مثلاً در صحنه ای می بینیم که صیاد چگونه با دقتی بسیار نیروهایش را تقسیم کرده و به هر یک مأموریت می دهد. این انتخاب ها نشان دهنده توجه او به حفظ جان رزمندگان و همچنین رسیدن به اهداف استراتژیک است. در این صحنه ها هدف، نمایش مهارت های فرماندهی صیاد است، نه صرفاً تمرکز بر روی جزئیات عملیات. برای مثال در صحنه ای دیگر، صیاد برای پاکسازی مناطق، به نیروهایش می گوید که باید از جناح های مختلف وارد شوند تا نیروهای معارض فرصت فرار پیدا کنند و آسیبی به مردم وارد نشود و یا جایی که به یک فرمانده لشکر ارتش می گوید توپخانه را در اختیار من بگذارید تا من با گری دقیق بتوانم محل دقیق تجمع نیروهای معارض را هدف بگیرم یا در جایی که تشخیص داد دید زمینه برای ادامه پیشروی کافی نیست پس به سرعت سوار هلیکوپتر شد تا مشخص کند دقیقاً کدام نقاط باید مورد هدف قرار بگیرد تا راهی برای ورود به سندنج باز شود. همه این تصمیمات نشان دهنده ذهنیت استراتژیک و انسانی شهید صیاد بود.

در نمایش موقعیت های جنگی فیلم، خصوصاً پرواز پر شور بالگردهای ارتش، سنگ تمام گذاشته بودید، سوال این است که برای تصویربرداری این موقعیت ها چه به لحاظ ویزوال افکت و چه به لحاظ امکانات نظامی با چه چالش هایی روبه رو بودید؟

قطعاً برای این بخش از فیلم مدیون نیروهای هوانیروز ارتش و دیگر بخش های نظامی هستیم که بسیار به ما کمک کردند و امکانات خوبی در اختیار ما گذاشتند. این همکاری ها برای ساخت صحنه های هلیکوپتر و عملیات های هوایی بسیار مؤثر بود. البته مهارت تیم ویزوال افکت مان به سرپرستی امیر ولیخانی هم ستودنی است اما یکی از چالش های اصلی که داشتیم این بود که فیلمبرداری سکانس سقوط هلیکوپتر بنی صدر دقیقاً همزمان شد با سقوط هلیکوپتر رئیس جمهور در واقعیت و متأسفانه برای اولین بار در جهان سقوط هلیکوپتر رئیس جمهور رخ داد که به شهادتش انجامید. درست در زمانی که برای اولین بار در تاریخ سینمای ایران موقعیتی مشابه فیلمبرداری می شد. به همین دلیل، شرایط نظامی به شدت تغییر کرد و برخی از فعالیت های ما به حالت تعلیق درآمد، اما خوشبختانه بعد از مدتی، توانستیم دوباره به روال طبیعی کار برگردیم و فیلمبرداری را ادامه بدهیم.

چه شاخصه خاصی در شهید صیاد شیرازی وجود داشت که او را از دیگر شهدا و فرماندهان جنگ متفاوت می کند و وجه تمایزی خاص به او می بخشد؟

بزرگترین ویژگی صیاد این بود که سواد نظامی بالایی داشت، یعنی تحصیلات علمی و آکادمی کلاسیک نظامی را طی کرده بود و به عنوان یک رنجر واقعی در آمریکا دوره آموزشی دیده بود. خوب، این شاخص بودن در فنون نظامی در آن اوایل خیلی

در بعضی بخش ها به نظر می رسد در نمایش جزئیات تاریخی، جانب احتیاط را رعایت کرده اید. آیا این به خاطر محدودیت زمانی فیلم بود یا ملاحظات محتوایی و ممیزی؟ اگر مثالی بزنید راحت تر می توانم پاسخ بدهم.

مثلاً در باره اختلاف شهید صیاد شیرازی با بنی صدر... تا چه حد اجازه پرداخت به این موضوع را داشتید؟ در فیلم به نظر می رسد که صیاد قهرمانی کنشگر نیست و ماجرای اختلاف او با بنی صدر با دخالت مستقیم امام خمینی (ره) و صدور یک نامه از سوی امام حل شد که باعث برکناری بنی صدر شد در این کنشگر گویا خود شهید صیاد در حل ماجرا کنشگری مستقیمی نداشت؟

بله، این ها دقیقاً همان نقاطی هستند که ما در بیان شان با محدودیت مواجه بودیم، نه اینکه نخواهیم یا ندانیم، بلکه فضا برای پرداختن کامل به چنین موارد حساسی فراهم نبود. طبیعی است که بعضی لایه ها به شکلی محافظه کارانه تر بیان شده اند. در عین حال تلاش کردیم مفهوم اصلی و جریان کلی ماجرا را منتقل کنیم، حتی اگر بخشی از جزئیات در روایت حذف یا تعدیل شده باشد. البته بخشی از این موضوع هم به محدودیت زمانی برمی گردد. طبیعتاً نمی توانستیم به تمام جزئیات در همه ابعاد بپردازیم. ما در روایت، به برخی از وقایع به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم اشاره کردیم و ناچار بودیم از برخی مسائل هم عبور کنیم. موضوع فیلم ما شخصیت شهید صیاد بود و سعی کردیم قصه را با محوریت حرکت او پیش ببریم. بنابراین هر جا که صیاد درگیر ماجرا بود، به آن رویداد پرداختیم. اما دیگر نخواستیم وارد پشت پرده های روابط بنی صدر با مشاورانش یا جزئیات عملکرد سیاسی او بشویم. شاید اینطور به نظر برسد که سانسوری صورت گرفته، اما در واقع تعریف ما این بود که با قهرمان همراه شویم. مثل این که شما در محل کار مشغول فعالیت باشید اما اتفاقاتی در منزلتان در جریان باشد که کار شما اثر بگذارد، پس ما بدون آنکه نیاز باشد اتفاقات منزلتان را نشان دهیم به تأثیرات آن پرداختیم و از آوردن جزئیاتی که ارتباط مستقیمی با قهرمان نداشت، چشم پوشیدیم.

به هر حال در این فیلم، بنی صدر در قامت یک آنتاگونیست ظاهر می شود، درست است؟

در بخشی از داستان، بله. اما ضد قهرمان اصلی فیلم ما صرفاً بنی صدر نبود. ضد قهرمان بزرگ تر، شرایط آشفته و فضای دشوار پیرامون شهید صیاد بودند که بنی صدر تنها یکی از عناصر این شرایط محسوب می شد.

آیا به خاطر محدودیت، نتوانستید شخصیت بنی صدر را سیاه تر ترسیم کنید یا این انتخاب خود شما و نویسنده بود که شخصیت او خاکستری باقی بماند؟

به نظر من این خواست نویسنده بود و تصمیم آگاهانه مبنی بر اینکه روایت بر پایه واقعیات تاریخی باشد. نه من و نه نویسنده، هیچکدام به این نتیجه نرسیدیم که بنی صدر شخصیتی کاملاً سیاه یا خائن مطلق باشد. تاریخ هم چنین قضایای نکرده است. در مستندات تاریخی آمده که بنی صدر انحرافات داشت و رفتارهایی از او سر زد که بعدها به خیانت تعبیر شد، اما این انحرافات بیشتر ناشی از نفوذ اطرافیان او، به ویژه سازمان مجاهدین خلق بود. بنابراین سعی کردیم به واقعیت وفادار بمانیم و بدون پیش داوری شخصیت پردازی کنیم.

پس شما سعی کردید تا حد ممکن به واقعیت وفادار بمانید، درست است؟

بله، کاملاً. ما در فیلم صیاد، تاریخ را تحریف نکردیم و نمی خواستیم با یک قضاوت نادرست آخرت خودمان را به خطر بیندازیم.

این نگاه اخلاق مدارانه در شخصیت پردازی صیاد شیرازی نیز به خوبی نشان داده شد؛ با اینکه ممکن بود این کار از جذابیت دراماتیک کم کند. مثلاً در جایی که بنی صدر از ریاست جمهوری برکنار می شود، صیاد خوشحال نمی شود و نگران آینده کشور است.

اشاره خوبی کردید. این دقیقاً نشان می دهد که قهرمان ما یک قهرمان ملی است، انسانی با آرمان های انقلابی و ملی. برای او، شکست یا سقوط خودش و یا دیگری ملاک نبود؛ بلکه آنچه اهمیت داشت، حفظ ایده آل ها و آرمان های ملی و انقلابی بود. واکنش صیاد در برابر مشکلات بنی صدر هم انسانی بود و هم استراتژیک؛ که نشان از مرام و بزرگی او داشت.

شما در فیلم صیاد؛ صحنه های اکشن و جنگی جذابی داشتید که به غایت سینمایی بود. اما من احساس کردم که در برخی از این صحنه ها، روایت و داستان گویی وجود ندارد و این بخش ها تنها برای تزئین و جلوه های بصری بر طمطراق تر طراحی شده است؟ اجازه بدهید من با این نظر شما مخالف باشم... چرا می گویید در